

فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۲، بهار ۱۳۸۶، ۲۱۹ - ۲۰۷

نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی

دکتر علی سوری * دکتر نادر مهرگان **

پذیرش: ۸۵/۱۱/۱۵

دریافت: ۸۴/۱۰/۱۹

سرمایه اجتماعی / سرمایه انسانی / تحصیلات

چکیده

اشتغال نیروی کار تحصیل کرده به معنی بکارگیری نیروی کار با تخصص و با کیفیت بالاتر و به عبارت دیگر به معنی بکارگیری سرمایه انسانی است. بدیهی است که این امر وابسته به عوامل مختلفی است که کارکرد آنها نقش تعیین کننده‌ای در آینده آموزش عالی کشور دارد. در ایران طی سال‌های اخیر از یک طرف تغییراتی در ترکیب تقاضا برای آموزش عالی (افزایش سهم زنان در ورود به دانشگاه) بوجود آمده و از طرف دیگر نرخ بیکاری فارغ‌التحصیلان افزایش قابل توجهی یافته است. این مسئله از یک طرف ناشی از افزایش نسبی تعداد دختران دیپلمه و از طرف دیگر ناشی از بازدهی سرمایه انسانی و چشم‌انداز بکارگیری آن در شرایط فعلی کشور است. کاهش تمایل نسبی مردان برای ورود به آموزش عالی تا حدودی معلول این موضوع است که چشم‌انداز مناسبی برای اشتغال فارغ‌التحصیلان آموزش عالی نمی‌بینند و هم‌چنین بازدهی آن در مقایسه با سرمایه‌گذاری‌های دیگر و مشاغلی که نیاز به تخصص ندارند پایین‌تر بوده و یا تفاوت محسوسی ندارد. در تبیین موضوع فوق می‌توان به نقش سرمایه اجتماعی پرداخت. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که کاهش سرمایه اجتماعی عاملی برای کاهش سرمایه انسانی می‌باشد.

طبقه‌بندی JEL: 13 J24JZ

* عضو هیأت علمی دانشکده امور اقتصادی souri_al@sea.ac.ir

** عضو هیأت علمی گروه اقتصاد دانشگاه بوعلی سینا mehregannader@yahoo.com

مقدمه

بعد از اینکه مدل‌های مرسوم رشد نتوانستند تمامی جوانب رشد اقتصادی را تبیین نمایند، دیدگاه‌ها متوجه نقش سرمایه انسانی شد. در این راستا سرمایه انسانی به عنوان عاملی تلقی شد که نقش اصلی را در تبیین «رشد توضیح داده نشده» دارد. سرمایه انسانی شامل آموزش‌ها، تخصص‌ها، مهارت‌ها و بطور کلی کیفیت نیروی کار می‌باشد. اما مطالعات تجربی به نتیجه یکسانی راجع به نقش سرمایه انسانی نرسیدند. سئوالی که مطرح شد این بود که چرا علیرغم اینکه امکان دستیابی به پیشرفت تکنولوژی برای همه کشورها وجود دارد و اغلب کشورها نیز از نیروی کار تحصیل کرده برخوردار هستند، ولی رشد اقتصادی در همه کشورها شکل نمی‌گیرد. برخی مطالعات به نوع دیگری از سرمایه تحت عنوان سرمایه اجتماعی پرداختند. در حالی که سرمایه انسانی اغلب جنبه خصوصی و فردی دارد ولی سرمایه اجتماعی مربوط به روابط بین افراد و گروه‌ها است. به عبارت دیگر سرمایه اجتماعی بیانگر قابلیت اعتماد بین افراد، گروه‌ها، بین دولت و مردم و ... است. وجود سرمایه اجتماعی می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی را تسهیل و هزینه‌های آن را کاهش دهد. هر چه سرمایه اجتماعی رو به کاهش رود، فرآیند تولید که مستلزم بکارگیری عوامل تولید است، پرهزینه می‌شود. زیرا بکارگیری عوامل تولید نیازمند قراردادهای دو طرفه بین کارفرما و صاحبان عوامل تولید است. در غیاب سرمایه اجتماعی اجرای این قراردادها بسیار پرهزینه می‌شود و از اینرو بازدهی نسبی عوامل تولید از جمله سرمایه انسانی کاهش می‌یابد. این امر باعث می‌شود تا انگیزه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کاهش یابد. زیرا در فقدان سرمایه اجتماعی و بویژه اگر همراه با ناکارآمدی دولت باشد، کسب درآمد از راه‌ها و فعالیت‌هایی که نیاز به تحصیلات و تخصص ندارد بسیار ساده‌تر و کم هزینه می‌باشد.

بر این اساس در این مقاله نقش سرمایه اجتماعی بر تشکیل سرمایه انسانی را بررسی می‌کنیم. در بخش اول مروری بر برخی مطالعات راجع به نقش سرمایه اجتماعی در سرمایه انسانی خواهیم داشت. در بخش دوم تغییراتی را که در تمایل به آموزش عالی رخ داده

است بررسی می‌کنیم. در بخش سوم وضعیت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی و تأثیر کاهش سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی بررسی خواهد شد. در بخش آخر نیز خلاصه و نتیجه‌گیری ارائه می‌شود.

۱. مطالعات مربوط به سرمایه اجتماعی و سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی

در یک جامعه افراد برای اهداف مشترکی کار می‌کنند. آن‌ها در تقابل با یکدیگر قرار دارند و رفتارهای آن‌ها بر همدیگر اثر می‌گذارد. یکی از کارهایی که معمولاً انجام می‌دهند سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی است. از طرف دیگر انباشت سرمایه انسانی یکی از عوامل رشد اقتصادی کشورها را تشکیل می‌دهد. جیمز کلنن (۱۹۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی نقش سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی می‌پردازد. وی می‌گوید که سرمایه اجتماعی منبعی برای یک خانواده، جامعه یا سازمان است که موجب می‌شود تا در افراد جوان و بچه‌ها سرمایه‌گذاری صورت گیرد. کلنن شواهدی را ارائه می‌دهد که وجود سرمایه اجتماعی در داخل یک خانواده چگونه در تعیین کاهش ترک تحصیل بچه‌ها اهمیت دارد. وی اشاره می‌کند که اگر والدین تحصیلات (سرمایه انسانی) بالایی داشته باشند شرط لازم و کافی برای تشکیل سرمایه انسانی در بچه‌ها نیست، بلکه باید سرمایه اجتماعی نیز در خانواده وجود داشته باشد. بدین معنا که والدین به فرزندان خود دارای یک وابستگی باشند که بر اساس آن حاضر به فدا کردن بخشی از اوقات و امکانات مالی خود و اختصاص آن به آموزش فرزندان باشند. از طرف دیگر او دریافت که سرمایه اجتماعی در بیرون از خانواده نقش مهمی در ادامه تحصیل و کاهش ترک تحصیل بچه‌ها دارد. وی نشان می‌دهد که خانواده‌هایی که اغلب نقل مکان می‌کنند به دلیل ارتباط کمی که با محیط اطراف خود از قبیل افراد محله و... دارند، طول دوره تحصیل بچه‌های آنها کمتر است. زیرا ماندگاری یک خانواده در یک محله باعث می‌شود تا روابط بیشتری با افراد پیدا شود و سرمایه اجتماعی بین آن‌ها شکل گیرد. گروتارت و سوآمی (۲۰۰۲) شواهدی از کشور بورکینافاسو ارائه می‌دهد که طبق آن هر چه شرکت داوطلبانه والدین در انجمن اولیاء و مربیان بیشتر باشد، نرخ ادامه تحصیل نیز بالاتر است. به هر حال مطالعات

مربوطه نشان می‌دهند که افرادی که در سرمایه اجتماعی سرمایه‌گذاری می‌کنند، سرمایه‌گذاری آنها در سرمایه انسانی نیز بیشتر است.

استون و همکاران (۱۹۹۹) اشاره می‌کند که سرمایه اجتماعی که بیانگر رابطه فرد با محیط اطراف او است، وقتی در خانواده بالا باشد موجب می‌شود که توجه بیشتری به ادامه تحصیل فرزندان و سرمایه‌گذاری در آن شود. تیچمان و همکاران (۱۹۹۷) بر اساس مطالعه خود دریافتند که سرمایه اجتماعی زمینه‌ای را فراهم می‌سازد که موجب می‌شود تا سرمایه انسانی و مالی والدین منجر به موفقیت بیشتر بچه‌ها شود.

به‌هر حال مطالعات موجود نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در درون خانواده و در یک جامعه منجر به افزایش تمایل به ادامه تحصیل می‌شود. در درون خانواده به دلیل تمایلات وابستگی‌های والدین به فرزندان، سرمایه‌گذاری برای ادامه تحصیل بچه‌ها بیشتر می‌شود، هر چند ممکن است والدین از تحصیلات بالایی برخوردار نباشند. از طرف دیگر سرمایه اجتماعی در یک جامعه که پایه آن اعتماد اجتماعی است، نیاز به استفاده زیاد از قوانین و مقررات را که هزینه‌بر نیز هستند کاهش می‌دهد و مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی را سهل‌تر می‌کند. به‌طور کلی فضای فعالیت اقتصادی را سالم‌تر و واقعی‌تر می‌کند و در چنین شرایطی بازدهی سرمایه‌های فیزیکی و انسانی، معقول‌تر می‌باشد. در فقدان سرمایه اجتماعی، به ویژه در شرایطی که اجرای قوانین و مقررات از سوی دولت با مشکل ناکارآمدی مواجه باشد، بازدهی حاصل از داشتن سرمایه‌های فیزیکی و انسانی درخور توجه نمی‌باشد. در واقع به‌کارگیری این سرمایه‌ها منافع چندانی ندارد و در عوض، فعالیت‌های واسطه‌گری و استفاده از رانت‌ها و موقعیت‌هایی که نیاز به تحصیلات نیز ندارد، دارای سودهای بسیار بالاتری می‌باشند. در چنین شرایطی تمایل به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کاهش می‌یابد.

۲. شواهدی از کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی در ایران

طی سال‌های اخیر تمایل به ادامه تحصیل از سوی مردان کاهش یافته و درمقابل، تمایل زنان به ادامه تحصیل افزایش یافته است. این امر عمدتاً ناشی از تحولات بازار کار

تحصیل‌کردگان است. از یک طرف بازدهی تحصیلات عالی در مقایسه با مشاغل دیگر چندان درخور توجه نمی‌باشد و از طرف دیگر بیکاری گسترده فارغ‌التحصیلان عامل دیگری است که موجب این تحولات شده است. اما نکته درخور توجهی که آمار و ارقام موجود نشان می‌دهد این است که سهم زنان در بین پذیرفته شدگان آموزش عالی شدیداً در حال افزایش است در حالیکه سهم مردان در حال کاهش می‌باشد. علاوه بر این، چنین وضعیتی می‌تواند ناشی از این باشد که هزینه فرصت تحصیل برای زنان کمتر از مردان است. اما ممکن است به نظر آید که بهر حال طی سال‌های اخیر امکان ادامه تحصیل دختران در مدارس و به تبع آن امکان ادامه تحصیل آنان در دانشگاه فراهم شده است. اما ارقام جداول (۱) تا (۴) گویای چنین وضعیتی نمی‌باشد. جدول (۳) نشان می‌دهد که سهم دختران از فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه از ۴۷/۶ به ۵۵/۶ درصد طی دوره ۸۱-۱۳۶۵ افزایش یافته که سالانه یک درصد رشد داشته است. اما سهم زنان در بین پذیرفته شدگان آموزش عالی از ۲۸/۸ در ۶۶-۱۳۶۵ به ۵۲/۹ در ۸۲-۱۳۸۱ افزایش یافته که سالانه از رشدی معادل ۳/۸۷ درصد برخوردار بوده است. همچنین این رقم برای پذیرفته شدگان دوره لیسانس از ۳۰/۳ به ۵۸/۲ درصد می‌رسد که رشد سالانه آن ۴/۱۶ درصد بوده است. بدین ترتیب این تحولات نمی‌تواند صرفاً ناشی از تحولاتی باشد که در رابطه با تحصیل دختران بوجود آمده است. بلکه عمدتاً ناشی از تحولاتی است که در تمایل مردان به ادامه تحصیل رخ داده است که عوامل مؤثر بر آن نیاز به تحلیل و بررسی بیشتری دارد.

از طرف دیگر نتیجه نهایی کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری در تحصیلات، به صورت کاهش متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار شاغل می‌باشد. در واقع تمامی تغییراتی که در زمینه آموزش عالی و تمایل به تحصیلات رخ می‌دهد، می‌توان آن را در متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار شاغل مشاهده نمود. نیلی و نفیسی (۱۳۸۲) در مطالعه خود به اندازه‌گیری سال‌های تحصیل نیروی کار شاغل در ایران می‌پردازند. محاسبه نرخ رشد متوسط تحصیلات نیروی کار شاغل نشان می‌دهد که طی دوره ۷۹-۱۳۵۲ از روند نزولی برخوردار بوده است (نمودار ۱).

جدول ۱- سهم دانش‌آموزان بر حسب جنس (درصد)

سال تحصیلی	پسر	دختر
۱۳۶۵-۶۶	۵۷/۸۵	۴۲/۱۵
۱۳۷۰-۷۱	۵۵/۴	۴۴/۶
۱۳۷۵-۷۶	۵۳/۴	۴۶/۶
۱۳۸۱-۸۲	۵۲/۱	۴۷/۹
نرخ رشد سالانه در دوره ۱۳۶۵-۸۱	-۰/۶۵	۰/۸

جدول ۲- سهم دانش‌آموزان دوره متوسطه بر حسب جنس (درصد)

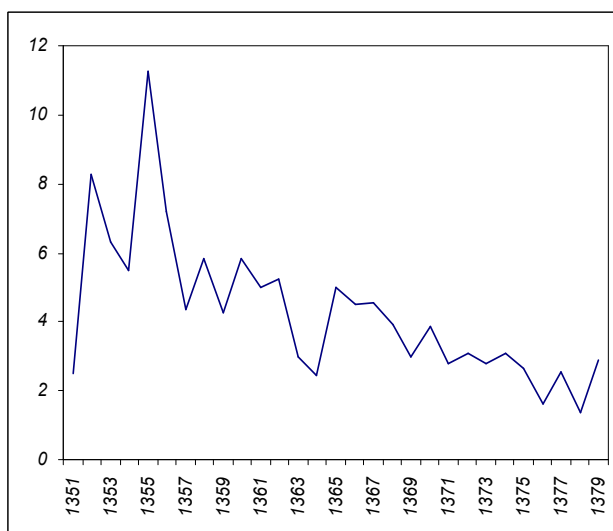
سال تحصیلی	پسر	دختر
۱۳۶۵-۶۶	۶۰/۱	۳۹/۹
۱۳۷۰-۷۱	۵۸/۷	۴۱/۳
۱۳۷۵-۷۶	۵۲/۲	۴۷/۸
۱۳۸۱-۸۲	۵۰/۷	۴۹/۳
نرخ رشد سالانه در دوره ۱۳۶۵-۸۱	-۱/۰۶	۱/۳

جدول ۳- سهم فارغ‌التحصیلان دوره متوسطه بر حسب جنس (درصد)

سال تحصیلی	پسر	دختر
۱۳۶۵-۶۶	۵۲/۴	۴۷/۶
۱۳۷۰-۷۱	۵۵/۰	۴۵/۰
۱۳۷۵-۷۶	۴۴/۸	۵۵/۲
۱۳۸۱-۸۲	۴۴/۴	۵۵/۶
نرخ رشد سالانه در دوره ۱۳۶۵-۸۱	-۱/۰۳	۰/۹۴

جدول ۴- سهم پذیرفته‌شدگان آموزش عالی بر حسب جنس (درصد)

سال تحصیلی	کل پذیرفته‌شدگان		پذیرفته‌شدگان لیسانس	
	پسر	دختر	پسر	دختر
۱۳۶۵-۶۶	۷۱/۲	۲۸/۸	۶۹/۷	۳۰/۳
۱۳۷۰-۷۱	۷۱/۱	۲۸/۹	۶۸/۹	۳۱/۱
۱۳۷۵-۷۶	۵۷/۳	۴۲/۷	۶۱/۵	۳۸/۵
۱۳۸۱-۸۲	۴۷/۱	۵۲/۹	۴۱/۸	۵۸/۲
نرخ رشد سالانه در دوره ۱۳۶۵-۸۱	-۲/۵۵	۳/۸۷	-۳/۱۴	۴/۱۶



نمودار ۱- نرخ رشد متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار شاغل در ایران

۳. برآوردی از تأثیر سرمایه اجتماعی در تشکیل سرمایه انسانی در ایران

در بخش قبلی دیدیم که برخی شواهد نشان می‌دهد که تمایل به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کاهش یافته است. شاخصی هم که برای تغییرات سرمایه انسانی استفاده می‌کنیم، رشد متوسط سال‌های تحصیل نیروی کار می‌باشد. اما از آنجایی که عمدتاً سرمایه اجتماعی دارای جنبه کیفی است، لذا اندازه‌گیری آن بسیار مشکل است. اندازه‌گیری سرمایه اجتماعی با موضوعاتی مانند اعتماد، شرکت داوطلبانه در انجمن‌ها و مؤسسات خیریه، عضویت در تشکل‌ها و باشگاه‌ها و... مرتبط است. در واقع سرمایه اجتماعی فضای روابط بین افراد در محله و شهر، محیط کار، روابط بین دولت و مردم را توصیف می‌کند که اندازه‌گیری آن بسیار پیچیده خواهد بود و اطلاعات آماری مناسبی برای آن وجود ندارد. مطالعات میدانی بسیاری در برخی کشورها برای سنجش سرمایه اجتماعی صورت گرفته که بر هر یک از آن‌ها اشکالاتی نیز وارد شده است.

اما می‌توان موضوع را از جنبه دیگری ملاحظه نمود. به جای سنجش و اندازه‌گیری

سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت، می‌توان نبود سرمایه اجتماعی یا به عبارت دیگر انحرافات اجتماعی از قبیل جرم و جنایت، فروپاشی خانواده، مصرف مواد مخدر، طرح دعاوی و دادخواهی، خودکشی، فرار از مالیات و موارد مشابه را اندازه‌گیری نمود. فرض بر این است که چون سرمایه اجتماعی وجود هنجارهای رفتاری مبتنی بر تشریک مساعی را منعکس می‌کند، انحرافات اجتماعی نیز به طور بالفعل بازتابی از فقدان سرمایه اجتماعی خواهد بود.^۱

بنابراین در این مطالعه شاخص‌های سرمایه اجتماعی را بر حسب آمار و ارقام موجود در مورد جرایم و تخلفات مختلف بررسی می‌کنیم. ارقام مذکور بیانگر این است که پرونده‌های بررسی شده راجع به تخلفات مختلف، بویژه در دوره ۸۱-۱۳۷۵ دارای نرخ رشد نسبتاً بالایی بوده است. بگونه‌ای که کل پرونده‌های بررسی شده سرانه در دوره ۷۵-۱۳۶۵ سالانه ۲/۳۸ درصد و در دوره ۸۱-۱۳۷۵ حدود ۸/۵ درصد رشد داشته است. این رقم برای اختلاس و ارتشاء به ۱۶ درصد و برای چک‌های بلامحل به ۷/۴ درصد می‌رسد.^۲ هر یک از این تخلفات بیانگر کاهش سرمایه اجتماعی می‌باشد. به عبارت دیگر همان طور که اشاره شد، تخریب سرمایه اجتماعی در نهایت منجر به عدم پای‌بندی به قراردادها می‌شود. به عنوان مثال بین موجر و مستأجر یک قرارداد صریح و قانونی وجود دارد که در صورت قبول آن و همچنین پای‌بندی به جنبه‌های نانوشته آن، نباید ارجاعی به سیستم قضایی بوجود بیاید. سایر موارد نیز همین وضعیت را دارند، به عنوان مثال اختلاس، ارتشاء و کلاهبرداری خود نوعی از کاهش سرمایه اجتماعی است.

به هر حال شاخص‌هایی که در اینجا استفاده می‌کنیم، نتایج حاصل از هر گونه تغییری را منعکس می‌کند که در سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی به وجود می‌آید. در اینجا \dot{H} نرخ رشد طول دوره تحصیل نیروی کار و \dot{X} نرخ رشد پرونده‌های بررسی شده سرانه در مراجع قضایی را نشان می‌دهد.

برای بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی، ابتدا آزمون علیت گرانجر را بین

۱. فوکویاما (۱۹۹۷)، ص ۱۹.

۲. سوری (۱۳۸۴).

این دو متغیر انجام می‌دهیم. نتایج این آزمون برای دو وقفه، به صورت جدول (۵) می‌باشد که طبق آن سرمایه اجتماعی علت تشکیل سرمایه انسانی است. هر چند که این نتیجه با سایر وقفه‌ها، ضعیفتر می‌شود ولی هیچگاه نتیجه عکس که طبق آن سرمایه انسانی علت سرمایه اجتماعی باشد بدست نیامد.

جدول ۵- نتیجه آزمون علیت بین \dot{X} و \dot{H}

نتیجه آزمون	احتمال	مقدار F	فرضیه
رد می‌شود	۰/۰۸	۲/۷۷	۱- \dot{X} علت \dot{H} نیست
رد نمی‌شود	۰/۲۵	۱/۴۷	۲- \dot{H} علت \dot{X} نیست

حال برای بررسی اثر سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی، معادله زیر برآورد شده است:

$$\dot{H} = 2.603 - 0.145\dot{X} + 0.093\left(\frac{K}{L}\right)_{-2} + 0.380\dot{H}_{-1} \quad (1)$$

(3.4) (-2.1) (2.3) (2.1)

$$R^2 = 0.41 \quad DW = 1.81$$

\dot{X} نرخ تغییرات کل پرونده‌های بررسی شده در مراجع قضایی را نشان می‌دهد که نسبت به جمعیت تعدیل شده است. در اینجا ضریب \dot{X} منفی است و نشان می‌دهد که اثر کاهش سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی منفی بوده است. به عبارت دیگر هر چه جرایم بیشتر شود (که به معنی کاهش سرمایه اجتماعی است) موجب کاهش تمایل به سرمایه گذاری در سرمایه انسانی می‌شود. در این معادلات، رشد سرمایه سرانه با تأخیر دو ساله موجب افزایش سرمایه گذاری در سرمایه انسانی می‌شود. زیرا افزایش سرمایه، نیاز بیشتری به نیروی کار بویژه نیروی کار متخصص و تحصیل کرده را ایجاد می‌کند و از این طریق، سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. بنابراین افزایش سرمایه‌های فیزیکی چون نیاز بیشتری به نیروی کار تحصیل کرده در بازار کار فراهم می‌کند، منجر به سرمایه گذاری در سرمایه انسانی می‌شود. اما از طرف دیگر کاهش سرمایه اجتماعی بنا به دلایلی که اشاره شد موجب کاهش سرمایه انسانی می‌شود. این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که

کاهش سرمایه اجتماعی موجب کاهش سرمایه‌های فیزیکی می‌شود و از این طریق نیز سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد. زیرا کاهش سرمایه اجتماعی که نتیجه آن به صورت افزایش جرایم به ویژه فساد مالی و اداری می‌باشد موجب می‌شود تا بخشی از منابع اختصاص یافته سرمایه‌گذاری‌های فیزیکی به دلایلی مانند اختلاس و ... تبدیل به سرمایه فیزیکی نشود.

اما توجه داریم که تمامی جرایم نمی‌تواند صرفاً مربوط به فعالیت‌های اقتصادی باشند، بلکه برخی از آن‌ها چنین ویژگی‌هایی را دارند. بدین منظور یکی از معیارهایی که می‌تواند گویای کاهش سرمایه اجتماعی در زمینه کسب و کار و مخرب اعتماد در مبادلات باشد تعداد چک‌های بلامحل سرانه به عنوان معیاری از کاهش سرمایه اجتماعی است. زیرا چک بیانگر اعتماد دو طرفه است و چک بلامحل یعنی اینکه یکی از طرفین بدنبال استفاده یک طرفه از این اعتماد است. نکته دیگر اینکه چک وسیله‌ای است که برای تسهیل مبادلات اقتصادی است و لذا عمدتاً در رابطه با فعالیت‌های اقتصادی و بهتر از شاخص‌های دیگر می‌توان وضعیت کاهش سرمایه اجتماعی را در کشور نشان دهد.

ضریب همبستگی بین نرخ رشد چک‌های بلامحل سرانه (\dot{Y}) و نرخ رشد شاخص سرمایه انسانی (\dot{H}) برابر با ۰/۳۲- می‌باشد. همچنین ضریب همبستگی بین تعداد چک‌های بلامحل سرانه و شاخص سرمایه انسانی (H) برابر با ۰/۶۶- می‌باشد. به هر حال این ضرایب نشان می‌دهد که بین شاخص سرمایه انسانی و شاخص کاهش سرمایه اجتماعی رابطه منفی و معناداری وجود دارد.

اما برای بررسی دقیق‌تر رابطه سرمایه انسانی و چک‌های بلامحل سرانه معادله (۲) برای دوره ۱۳۵۲-۷۹ برآورد گردیده است:

$$\dot{H} = 2.812 - 0.063\dot{Y} + 0.126\left(\frac{K}{L}\right)_{-2} + 0.315\dot{H}_{-1} + 2.048D \quad (2)$$

(4.1) (-3.5) (2.2) (3.1) (2.6)

$$R^2 = 0.59 \quad DW = 1.83$$

در این معادله \dot{H} نرخ تغییرات شاخص سرمایه انسانی، \dot{Y} نرخ رشد چک‌های بلامحل

سرانه به عنوان شاخصی از کاهش سرمایه اجتماعی در زمینه فعالیت‌های اقتصادی، $\left(\frac{K}{L}\right)$ سرمایه سرانه (نسبت سرمایه به کار) و D متغیر مجازی برای سال‌های ۵۹-۱۳۵۷ می‌باشد. ضریب کاهش سرمایه اجتماعی برابر با ۰/۰۶۳- می‌باشد و نشان می‌دهد که کاهش سرمایه اجتماعی، تأثیر کاملاً منفی بر تشکیل سرمایه انسانی دارد. این نتیجه، فرضیه این مطالعه را تأیید می‌کند که فقدان سرمایه اجتماعی، انگیزه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی را کاهش می‌دهد. همچنین این نتیجه با وضعیت سال‌های اخیر کشور سازگاری دارد که از یک طرف آمارهای موجود نشان‌دهنده کاهش سرمایه اجتماعی و اعتماد بین افراد و گروه‌ها است و از طرف دیگر تمایل مردان به ادامه تحصیل نسبت به زنان کاهش یافته است. زیرا در غیاب سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد، امکان کسب درآمد از راه‌ها و فعالیت‌هایی که به تحصیلات بالاتر نیاز ندارد بیشتر می‌شود.

جمع‌بندی و ملاحظات

در این مقاله نقش سرمایه اجتماعی بر سرمایه انسانی بررسی شد. در این خصوص آمارهای موجود نشان می‌دهد تمایل مردان به ادامه تحصیل و به نوعی تمایل به سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کاهش یافته است. از میان عوامل مختلفی که موجب چنین تغییراتی شده است، نقش سرمایه اجتماعی درخور توجه است که موضوع این مقاله است. آمار موجود نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی در کشور در حال کاهش بوده است. این امر چنانچه ذکر شد موجب افزایش هزینه‌های مبادلاتی در اقتصاد می‌گردد و بطور کلی از یک طرف فرآیند تولید را پرهزینه می‌کند و از طرف دیگر کسب درآمد را از راه‌های غیرتولیدی و فعالیت‌هایی که نیاز به تحصیلات بالاتر ندارند، افزایش می‌دهد. بویژه این وضعیت اگر همراه با ناکارآمدی دولت نیز باشد به مراتب تشدید خواهد شد. این عوامل موجب می‌شود تا کاهش سرمایه اجتماعی مانعی برای افزایش سرمایه انسانی شود.

فقدان سرمایه اجتماعی از دو طریق منجر به کاهش سرمایه انسانی می‌شود: یکی از طریق کاهش تمایل والدین در کمک مالی و علمی به فرزندان و ادامه تحصیل آن‌ها و دیگری از طریق تخریب فضای کسب و کار اقتصادی، زیرا هر چه فضای کسب و کار

اقتصادی ناسالم باشد، کسب درآمدهای بالاتر نیاز به تحصیلات بالاتر ندارد و لذا انگیزه سرمایه‌گذاری در سرمایه انسانی کاهش می‌یابد. این وضعیت با تغییرات اخیر که در ترکیب تقاضا برای آموزش عالی بوجود آمده است سازگار می‌باشد. در این چارچوب به نظر می‌رسد که آینده آموزش عالی در گرو بازسازی سرمایه اجتماعی است. زیرا در شرایطی که سرمایه اجتماعی به اندازه کافی وجود دارد نهادهای تولیدی از جمله سرمایه انسانی، در یک شرایط طبیعی و عادی بکار گرفته می‌شوند و هر کدام بازدهی واقعی خود را کسب خواهند کرد. در چنین شرایطی بازدهی حاصل از تحصیلات عالی بطور نسبی بیشتر می‌شود، زیرا امکان کسب درآمد از راههایی که نیاز به سرمایه (چه سرمایه انسانی و چه سرمایه فیزیکی) ندارند کاهش می‌یابد.

منابع

- اکبری، نعمت ا... (۱۳۸۰)؛ *تقاضای آموزش عالی در ایران*، پایان نامه دکتر، دانشگاه تربیت مدرس.
- سوری، علی (۱۳۸۴)؛ "سرمایه اجتماعی و عملکرد اقتصادی"، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۹، تابستان، صص ۷۸-۱۰۸.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۹۹۷)؛ *پایان نظم (بررسی سرمایه اجتماعی و حفظ آن)*، مترجم: غلامعباس توسلی، انتشارات جامعه ایرانیان، تهران.
- نیلی، مسعود و شهاب نفیسی (۱۳۸۲)؛ "رابطه سرمایه انسانی و رشد اقتصادی با تأکید بر نقش توزیع تحصیلات نیروی کار (مورد ایران سالهای ۱۳۷۹-۱۳۴۵)"، *فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران*، شماره ۱۷، صص ۱-۳۲.
- Aston, N. M., C. A. Nathanson, R. Schoen and Y. J. Kim (1999); "Family Demography, Social Theory, and Investment in Social Capital", *Population and Development Review*, 25 (1), pp. 1-31.
- Coleman, J. (1988); "Social Capital in the Creation of Human Capital", *American Journal of Sociology*, 94, pp. S95-S121.
- Grootaert, C. and Swamy, G.O. (2002); "Social Capital, Household Welfare and Poverty in Burkina Faso", *Journal of African Economies*, 11 (1), pp. 4-38.
- Helliwell, J. F. (1996); "Economic Growth and Social Capital in Asia", *NBER Working Paper*, No.5470.
- Knack, S. and Keefer, P. (1997); "Does Social Capital have an Economic Pay-off? A Cross Country Investing Action", *Quarterly Journal of Economics*, 112 (4), pp. 1251-1288.
- Teachman, J., K. Paasch and K. Carver (1997); "Social Capital and the Generation of Human Capital", *Social Forces*, 75, pp. 1343-1359.